



پابلو رویس ای پیکاسو

پابلو رویس ای پیکاسو (به اسپانیایی Pablo Ruiz y Picasso: نقاش، شاعر، طراح صحنه، بیکر تراش، گراورساز و سرامیک کار اسپانیایی و یکی از برترین و تاثیرگذارترین هنرمندان سده ۲۰ میلادی بود. او به همراه ژرژ براک، نقاش و بیکر تراش فرانسوی، سبک کوبیسم را پدید آورد. از جمله آثار مشهور او می‌توان به دوشیزگان آوینیون و گرنیکا اشاره کرد. پیکاسو بیشتر عمر خود را در فرانسه به سر برد. او به دلیل جستجوگری، نوآوری، پرکاری و اثرگذاری بر معاصران، یکی از مهم‌ترین هنرمندان سده بیستم به شمار می‌آید.

دوره اولیه زندگی

وی در ۲۵ اکتبر سال ۱۸۸۱ در مالاگا، یکی از شهرهای کشور اسپانیا، زاده شده و با نام «پابلو دیه‌گو خوسه فرنسیسکو د پائولا خوان رمدیوس ترینیداد رویس ای پیکاسو» غسل تعمید داده شد. او فرزند یک نقاش تحصیل کرده به نام جوز رویس بلنکو (Jose Ruis Blanco) و ماریا پیکاسو (Maria Picasso) بود که از سال ۱۹۰۱ نام خود را به نام خانوادگی مادرش تغییر داد. پابلو از همان دوران کودکی به نقاشی علاقه پیدا کرد و از ده سالگی نزد پدرش که معلم یک آموزشگاه هنری بود، اصول اولیه نقاشی را فراگرفت و دوستانش را با کشیدن نقاشی بدون بلند کردن قلم یا نگاه کردن به کاغذ سرگرم می‌کرد.

در سال ۱۸۹۵ به همراه خانواده به بارسلونا تغییر مکان دادند و پیکاسو در آنجا در آکادمی هنرهای عالی به نام لا لونجا (La Lonja) به تحصیل مشغول شد. در اوایل کار، دیدار او از مکان‌ها و گروه‌های مختلف هنری تا سال ۱۸۹۹ در پیشرفت هنریش بسیار تأثیرگذار بود. وی تحصیلات خود را در فرانسه به پایان رساند. او نزد پدرش که استاد نقاشی بود به آموختن پرتره‌نگاری پرداخت و در سال ۱۹۰۳ مقیم پاریس شد. در سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۱۰، به اتفاق ژرژ براک مکتب کوبیسم را پایه‌گذاری کرد. ژرژ براک، از نخستین کسانی بود که سنجاق و میخ را با هم توأم نمود و پیکاسو تخته و چیزهای دیگری را هم به آن افزود. پیکاسو در سبک خود شهرت فراوانی به دست آورد و پیروان فراوانی کسب نمود.

آغاز فعالیت هنری



پیکاسو و خواهرش لولا در ۱۸۸۹



پیکاسو در ۱۹۰۴

دوره آبی

نوشتار اصلی: دوره آبی پیکاسو

پیکاسو زمانی که به کار مشغول نبود، از تنها ماندن خودداری می‌کرد و به همین دلیل در مدت کوتاهی حلقهٔ دوستانش که شامل گیوم آپولینر، ماکس ژاکوب و لئو استاین و همچنین دو دلال بسیار خوب به نام‌های امبروز (Ambrise Vollard) و برسول (Berthe Weel) بود، شکل گرفت. در این زمان خودکشی

یکی از دوستانش به روی پابلوی جوان تأثیر عمیقی گذاشت و تحت چنین شرایطی دست به خلق آثاری زد که از آن به عنوان دوره آبی یاد می‌کنند. در این دوره بیشتر به ترسیم چهره آکروبات‌ها، بندبازان، گدایان و هنرمندان می‌پرداخت و در طول روز در پاریس به تحقیق بر روی شاهکارهایش در لوور و شبها به همراه هنرمندان دیگر در میکده‌ها مشغول می‌شد. پابلو پیکاسو در دوره آبی بیشتر رنگ‌های تیره را در تابلوهای نقاشی خود به کار می‌گرفت.

در دوره‌های آبی و گلفام استقلال هنری اش را بروز داد. اوضاع بحرانی اروپا، جنگ داخلی اسپانیا و اشغال فرانسه توسط آلمانی‌ها، بر موضوع و محتوای هنر او اثری عمیق گذاشت و عناصر اساطیری و نمادین در آثارش رخ نمودند. تابلوی گرنیکا نمونه شاخص هنر تمثیلی او در این دوره است. او با بهره‌گیری از هنر بدوی (مجسمه‌های کهن ایبریایی، و صورتکها و تندیسهای آفریقایی)، در راهی تازه قدم گذارد. شاید پیکاسو طراحی را برترین وسیله برای انتقال بیواسطه قدرت ابداع خود می‌دانست. طراحی‌های دوره جوانی اش به دور از طبیعت‌گرایی و بری از هرگونه رونگاری، بر اثر تجربه تجسمی به روی کاغذ ترسیم شده‌اند¹¹

پیکاسو دوره‌های هنری مختلف را گذراند که کمترین هنرمندی به چنین تجربه عظیمی دست پیدا می‌کند. یکی از مهم‌ترین دوره کاری پیکاسو چنان‌که پیش از این گفته‌شد، دوره آبی بود. با وجود اینکه تعهدات کاری در فرانسه او آخر قرن نوزدهم و اوایل هنر قرن بیستم کمتر شده بود شاید هیچ هنرمندی به اندازه پیکاسو در تعهد کاری خود، تلخی زندگی را آنقدر بزرگ نمایش نداد. این تلخی منحصراً در دوره آبی (۱۹۰۴-۱۹۰۱) (به اوج خود رسید چنان‌که از مجموعه رنگ‌های مالیخولیایی آن دوره با سایه روشن آبی و حاشیه تاریک آن بر می‌آید بدون شک زندگی در فقر خانوادگی در زمان جوانی در سال‌های اولیه زندگی در پاریس و برخورد با کارگران و گدایان اطراف خود در کشیدن پرتره شخصیت‌ها با حساسیت و احساس ترحم هر چه بیشتر نسبت به آنها تأثیر زیادی گذاشته است زن اطوکش (Woman Ironing) در پایان دوره آبی با رنگهای روشن‌تر اما هنوز با طرح غم افزای شامل سفید و خاکستری تصور اصلی فرسودگی و رنج پیکاسو را نشان می‌دهد. اگر چه واقعیت اقتصادی و اجتماعی در پاریس آن دوره ریشه کرده بود. رفتار دوستانه این هنرمند در این مورد که با خطوط زاویه‌دار و متقارن، دین هنری خود را با ترکیب خطوط امتداد داده شده و ظریف که با نفوذ به حقایق تجربی مورخ معروف ال گرکو به آنها رسیده بود، نمایش می‌داد و پیکاسو در آنجا این موضوع را با حضور تقریباً معنوی و خیالی از آن زن به عنوان مثالی از فقر و بدبختی آن دوره نشان داده است.

دوره رز

در سال ۱۹۰۰ میلادی اولین نمایشگاه پیکاسو در بارسلونا تشکیل شد. در پاییز همان سال به پاریس رفت تا در آنجا مطالعاتی در ابتدای قرن جدید داشته باشد و در آوریل ۱۹۰۴ در پاریس اقامت کرد و در آنجا به وسیله آثار امپرسیونیست خود به شهرت رسید. اما پس از مدت کوتاهی اقامت در فرانسه با تغییر ارتباطات، جعبه رنگ او به رنگهای قرمز و صورتی تغییر پیدا کرد. به همین دلیل به این دوره دوره دوران صورتی پیکاسو می‌گویند. در این دوران پس از دوستی با برخی از دلایان هنر، شاعر آن زمان ماکس

ژاکوب و نویسنده تبعیدی آمریکایی، گرتروود استاین و برادرش لئو که اولین حامیان او بودند، سبک او به طور محسوسی عوض شد به طوری که تغییرات درونی او در آثارش نمایان است؛ و تغییر سبک او از دوره آبی به دوره رز در اثر مهم او به نام دوشیزگان آوینیون نمونه‌ای از آن است.

هنر مدرن تغییر شکل یافته



تابلوی دوشیزگان آوینیون اثر پیکاسو در سال ۱۹۰۷

دوره آفریقایی

کار پابلو پیکاسو در تابستان سال ۱۹۰۶، وارد مرحله جدیدی شد که نشان از تأثیر هنر یونان شبه جزیره ایبری و آفریقا بر روی او بود که به این ترتیب سبک را به وجود آورد که توسط منتقدین نقاش معاصر مورد توجه قرار نگرفت.



تابلوی دن کیشوت اثر پیکاسو در سال ۱۹۵۵

کوبیسم

در سال ۱۹۰۸ پابلو پیکاسو و نقاش فرانسوی ژرژ براک متأثر از قالب امپرسیونیسم فرانسوی سبک جدیدی را در کشیدن مناظر به کار بردند که از نظر چندین منتقد از مکعبهای کوچکی تشکیل شده است. این سبک کوبیسم نام گرفت و بعضی از نقاشیهای این دو هنرمند در این زمینه آنقدر به هم شبیه هستند که تفکیک آنها بسیار مشکل است. سیر تکاملی بعدی پابلو در کوبیسم از نگاه تحلیلی (۱۱-۱۹۰۸) (به منظر ساختگی و ترکیبی که آغاز آن در سالهای ۱۳-۱۹۱۲ بود ادامه داشت در این شیوه رنگ‌های نمایش داده شده به صورت صاف و چند تکه، نقش بزرگی را ایفا می‌کند و بعد از این سال‌ها پیکاسو همکاری خود را در بالت و تولیدات تئاتر و نمایش در سال ۱۹۱۶ آغاز کرد و کمی بعد از آن آثار نقاشی خود را با سبک نئوکلاسیک و نمایش تشبیهی عرضه کرد. این نقاش بزرگ در سال ۱۹۱۸ با الگا (Olga)، رفاقت بالت ازدواج کرد و در پاریس به زندگی خود ادامه داد و تابستان‌هایش را نیز در کنار ساحل دریا سپری می‌کرد. از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۰ درگیر اختلاف عقیده با سوررئالیست‌ها بود و در پاییز سال ۱۹۳۱ علاقه‌مند به مجسمه‌سازی شد و با ایجاد نمایشگاه‌های بزرگی در پاریس و زوریخ و انتشار اولین کتابش به شهرت فراوانی رسید.

توجه پیکاسو در مدت کوتاهی از کشیدن نقاشی‌هایی با کنایه اجتماعی و مذهبی به سوی تحقیق در فضای دیگر و خلق آثاری برد که اوج آن در مکتب کوبیسم به ثمر رسید. پرتره فرناند با روسری زنانه سیاه (Fernande with a black Montilla) اثری در این مرحله کاری است. خیالی بودن تصویر با رنگ‌بندی مناسب و ضربه‌های قلم موی پر نشاط نشان از معشوقه او فرناند الیور (Fernonde Oliver) می‌دهد که روسری به سر کرد، و سمبل هنر اسپانیایی او است. از ایجاد سبک شمایی از صورت او با مشخصات خلاصه شده می‌توان افزایش علاقه پیکاسو را در خلاصه کردن ویژگی‌ها و استحکام پیکر تراشی پیشگویی کرد که این تأثیر را در آثار بعدی او می‌بینیم.

جنگ اسپانیا، جنگ جهانی دوم و پس از آن



تابلوی گرنیکا اثر پیکاسو به سال ۱۹۳۷

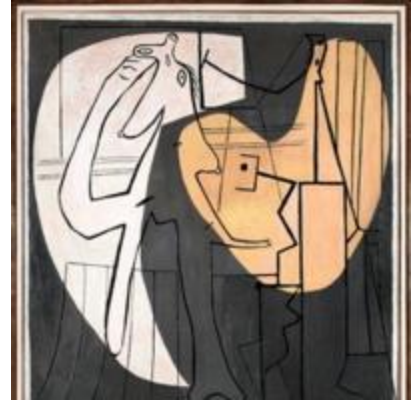


تابلوی دورا مار و گربه خلق شده در سال ۱۹۴۱

در سال ۱۹۳۶ جنگ داخلی اسپانیا شروع شد که تأثیر زیادی به روی پیکاسو گذاشت به طوری که تأثیر آن را می‌توان در تابلوی گرینیکا (۱۹۳۷) (دید. در این پرده نقاشی بزرگ، بی‌عاطفگی، وحشی‌گری و نومیدی حاصل از جنگ به تصویر کشیده شده است. پابلو اصرار داشت که این تابلو تا زمانی که دموکراسی کشور اسپانیا به حالت اول برنگردد به آنجا برده نشود. این تابلوی نقاشی به عنوان یکی از پرجاذبه‌ترین آثار در موزه مادرید سال ۱۹۹۲ در معرض نمایش قرار گرفت.

حقیقت این است که پیکاسو در طول جنگ داخلی اسپانیا، جنگ جهانی اول و دوم کاملاً بی‌طرف بود از جنگیدن با هر طرف یا کشوری مخالفت می‌کرد. او هرگز در این مورد توضیحی نداد. شاید این تصور به وجود آید که او انسان صلح‌طلبی بود اما تعدادی از هم عصران او از جمله براک بر این باور بودند که این بی‌طرفی از بزدلی‌اش ناشی می‌شد. به عنوان یک شهروند اسپانیایی مقیم پاریس هیچ اجباری برای او نبود که در مقابل آلمان در جنگ جهانی مبارزه کند و یا در جنگ داخلی اسپانیا، خدمت برای اسپانیایی‌های خارج از کشور کاملاً اختیاری بود و با وجود اظهار عصبانیت پیکاسو نسبت به فاشیست در آثارش، هرگز در مقابل دشمن دست به اسلحه نبرد. او با وجود کناره‌گیری از جنبش استقلال‌طلبی در ایام جوانیش حمایت کلی خود را از چنین اعمالی بیان می‌کرد و بعد از جنگ جهانی دوم به گروه کمونیست فرانسه پیوست و حتی در مذاکره دوستانه بین‌المللی در لهستان نیز شرکت کرد اما نقد ادبی گروهی از رئالیست‌ها در مورد پرتره استالین، علاقه پیکاسو را به امور سیاسی کمونیستی سرد کرد.

آثار متاخر



تابلوی نقاش و مدلش خلق شده در سال ۱۹۲۷. این تابلو در موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شود.



تابلوی رویا خلق شده در سال ۱۹۳۲

پیکاسو در سال ۱۹۴۰ به یک گروه مردمی ملحق شد و شمار زیادی از نمایشگاه‌های پیکاسو در طول زندگی این هنرمند در سالهای بعد از آن برگزار شد که مهمترین آن‌ها در موزه هنر مدرن نیویورک در سال ۱۹۳۹ و در پاریس در سال ۱۹۵۵ ایجاد شد. در ۱۹۶۱، این نقاش اسپانیایی با ژاکلین روک (Jacqueline Roque) ازدواج کرد و به نقل مکان کرد. پابلو پیکاسو در آنجا خلق آثار با ارزش خود همانند نقاشی، طراحی، عکس‌های چاپی، سفال‌گری و مجسمه‌سازی را تا زمان مرگش یعنی هشتم آوریل سال ۱۹۷۳ در موگینس فرانسه ادامه داد.

در سال‌های هشتاد یا نود سالگی، انرژی همیشگی دوران جوانیش بسیار کمتر شده بود و بیشتر خلوت می‌گزید. همسر دوم او ژاکلین روک به جز مهمترین ملاقات کنندگانش و دو فرزند پیکاسو، کلاود و پالوما (Claude and Paloma) و دوست نقاش سابقش، فرانسواز ژیلو به کس دیگر اجازه ملاقات با او را نمی‌داد. گوشه‌گیری پابلو پیکاسو بعد از عمل جراحی پروستات در سال ۱۹۶۵ بیشتر شد و با اختصاص دادن تمام نیرویش به کار، در کشیدن تابلو جسورتر گشت و از سال ۱۹۶۸ تا سال ۱۹۷۱ سیل عظیم

نقاشی‌هایش و صدها قلم‌زنی بشقاب مسی در معرض دید عموم قرار گرفت. این آثارش در این زمان توسط بسیاری از رویاپردازان نادیده گرفته شد به طوری که داگلاس کوپر، آثار پایانی او را به عنوان آثار یک پیرمرد عصبانی در اتاق مرگ نامید. پیکاسو همچنین مجموعه‌ای قابل توجه از آثار دیگر نقاشان معروف هم دوره خود مانند آنری ماتیس را نگهداری می‌کرد و چون هیچ وصیت‌نامه‌ای در زمان مرگش نبود به عنوان مالیات ایالتی فرانسه، بعضی از آثار و مجموعه‌های او به دولت داده شد.

این نقاش و مجسمه‌ساز اسپانیایی با خلق آثارش گام مهمی در هنر مدرن برداشت. او در ابداع و نوآوری سبک‌ها و تکنیک‌های نقاشی بی‌نظیر بود و استعداد خدادادی او به عنوان یک نقاش و طراح بسیار قابل اهمیت است. او در کار کردن با رنگ روغن، آبرنگ، پاستل، زغال چوب، مداد و جوهر بسیار توانا بود و با ایجاد آثاری در مکتب کوبیسم استعداد بی‌نظیر خود را به بهترین شکل به کار گرفت و با وجود آموزش محدود علمی (که تنها یک سال از دوره تحصیلاتی را در آکادمی رویال مادرید به پایان رساند) تلاش هنرمندانه‌ای را در تغییر جهت فکری خود انجام داد. از پابلو پیکاسو به عنوان پرکارترین نقاش تاریخ یاد می‌شود. در حالیکه دوستانش به او توصیه می‌کردند که در سن هفتاد و هشت سالگی دست از کار بردارد اما او مخالفت می‌کرد. مرگ او در حالی به وقوع پیوست که با تعداد زیادی تابلو و آثار ارزشمند، مرکب از علائق شخصی و به دور از در نظر گرفتن بازار هنر یک ثروتمند محسوب می‌شد؛ و اخیراً در سال ۲۰۰۳ خویشاوندان پیکاسو موزه وقف شده‌ای را در زادگاه پیکاسو یعنی مالاگا به نام موسیو پیکاسو مالاگا راه انداختند.

مرگ

وی در ۸ آوریل ۱۹۷۳، در اوج دل‌باختگی اش به ژاکلین درگذشت و ژاکلین روک نیز، که پس از پیکاسو شدیداً از نظر روحی دگرگون شده بود، در سال ۱۹۸۶، با شلیک گلوله خودکشی کرد.^{۱۲}

سبک و تکنیک



تابلوی دختری با لباس خواب خلق شده در سال ۱۹۰۵ در دوره موسوم به دوره آبی



تابلوی پیری با بیب خلق شده توسط پیکاسو در سال ۱۹۰۷ در دوره موسوم به دوره رز یا سرخ



مجسمه «پیکاسوی شیکاگو» اثر پیکاسو به سال ۱۹۶۷ که در معرض عموم قرار دارد و او آن را به مردم شیکاگو تقدیم کرده است.

او در مجسمه‌سازی، حکاکی روی چوب، سفالگری، سرامیک، چاپ سنگی (لیتوگرافی) و معماری تبحر داشت. او مکتب کوبیسم را به همراه ژرژ براک در میان نقاشان جا انداخت و فن اختلاط رنگ بر پرده نقاشی را به عالم هنر معرفی کرد. پیکاسو علاقه خاصی به زنها داشت و غیر از اینکه در زندگی غرق آنها بود تا مدت‌ها نقاشی‌های وی مشخصاً تنها راجع به زنها بود. و دوره اول هنری وی در طبقه‌بندی‌ها بنامهای *Blue & Rose* است. در دوران آبی سبک کاری وی اغلب شامل سایه‌های آبی کشیده شده از اجسامی بود که تنها به نیمی از آنها به تصویر کشیده می‌شد. در دوران رز از آبی به سمت صورتی تمایل پیدا کرد و نقاشی‌های وی به دنیای واقعی نزدیکتر شدند. او سپس به سبک کوبیسم روی آورد که در آن اشیا را توسط اشکال ساده هندسی به تصویر کشاند.^{۱۲}

آخرین دوره کاری پیکاسو دوره سورئالیستی است که از ۱۹۲۴ آغاز می‌شود. ولی همیشه فاصله اش را با سورئالیستها حفظ کرد. پیکاسو و هنرمندان سورئالیست جهان در اصول بنیادی، بدین معنا که هنر قادر است آنچه را که طبیعت و عقل نمی‌توانند ابراز کنند نشان دهد، موافقت داشتند ولی اختلاف اساسی بسیاری بین پیکاسو و سورئالیستها وجود دارد: به عقیده آنها، پیکاسو به دنیای خارج و مضمون وابستگی بسیار دارد و از دنیای او هام و رویاها بسیار دور است.^{۱۴}

معشوقه ها و دوست دختران وی از جمله فرانسویس گیلوت^{۱۵}، ماری ترزا والترز^{۱۶} لو ژنویو لاپورت^{۱۷} موضوع اثرهای هنری وی بودند و نقش مهمی را در خلق برخی از بهترین آثار پیکاسو داشتند. کوبیسم در سالهای تعیین کننده ۱۹۰۷-۱۴ به عنوان جدیدترین و بانفوذترین سبک هنری قرن بیستم بسیار مورد توجه قرار گرفت و وسعت پیدا کرد. زمان قطعی توسعه آن در طول تابستان ۱۹۱۱ اتفاق افتاد. همان موقعی که پابلو پیکاسو و جرجیس براک پا به پای هم به این سبک نقاشی می‌کردند. تنگ، کوزه و کاسه میوه (Carafe, Jug and Fruit Bowl) مراحل اولیه این سبک نقاشی پیکاسو را نشان می‌دهد. سطوح آن با صراحت به چند قسمت تقسیم شده اما با این وجود به طور پیچیده‌ای چند تکه نشدند. از نظر شکل و قالب توده‌ای از خیال و وهم را در خود نگهداشته و با وجود این‌که از وجهی دراماتیکی آن کاسته شده است، اما قابل چشم‌پوشی نیست. در سیر تحولی این سبک، براک و پیکاسو کوبیسم تحلیلی را تقریباً در موضوع اختلال حواس کامل به وجود آوردند که در بین آثار پیکاسو ارگزن (Accordionist) ترکیب گنج کننده‌ای از این نوع بود.

چندی بعد پیکاسو مرگ کوبیسم را با یادگاری زندگی آرام ماندولین و گیتار (Mandolin and Guitar) در طول مهمانی شب‌نشینی در پاریس در حضور شرکت‌کنندگان که فریاد می‌زدند «پیکاسو در میدان رقابت مرد» اعلام کرد. این مهمانی در آخر شب با یک شورش و آشوب به پایان رسید و تنها با ورود پلیس فرونشاند. سری تابلوهای رنگ‌آمیزی شده بعدی پیکاسو در سبک کوبیسم با ترکیبی شجاعانه در شکل‌های به هم پیوسته چنین قضاوتی را بی‌اعتبار می‌کند و در پایان از روش تکنیکی کارش به دفاع می‌پردازد. اما هنرمند حقیقتاً در پی احیای کشفیات قبلی خود نبود. واضح است که تصاویر بنیانی و نماهای اشباع شده گواهی به قدردانی او از پیشرفت همزمان در نقاشی سورئالیست می‌دهد که مخصوصاً این تأثیر از آثار آندره ماسون و خوان میرو (Joan Miro) برخاسته است.

بعد از نمایش قطعه‌ای از موضوع خاموش‌سازی و کاهش نور در ۱۹۱۱، در سالهای بعد پیکاسو و براک تصورات ذهنی بیش‌تری را در نقاشی‌های خود به کار بردند که معمولاً از محیط هنرکده‌ها و کافه‌ها گرفته می‌شد و بدون کنار گذاشتن شیوه‌های کوبیسم تحلیلی، شیوه جدیدی را توسعه دادند که به کوبیسم ترکیبی از آن نام برده می‌شد. در این نوع سبک ترکیباتی را با رنگهای متنوع و به طور وسیع‌تر به وجود آوردند و در تابستان سال ۱۹۱۲، براک اولین مقوایی را که چسب و گلس و چیزهای دیگر را به آن می‌چسبانند ساخت و پیکاسو نیز در تابلوی «پیپ، گیللاس جام و عرق ویوکس (Pipe, Glass, Bottle of vieux Marc)» از همین شیوه پیروی کرد و کدری رنگ‌های کارهای قبلی او از بین رفت و شفاف شد و شفافیت این مورد با نشان دادن قسمت‌هایی از گیتار در پشت گیللاس نشان داده شده است و نیز مطمئناً فضایی را بین دیوار و صفحه تصویر اشغال می‌کند و موقعیت‌های نسبی در تابلو کاملاً دو معنایی هستند.

از سال ۱۹۲۷ تا سال ۱۹۲۹ پابلو پیکاسو در فعالیت هنری خود از میان روش‌های کاری خود استقلال خود را به طور استادهای در آثارش به دست آورد و در دنباله کارهای گوناگون بهترین مثال موجود، تابلوی کارگاه هنری (The Studio) (۱۹۲۷-۲۸) است که به سبک کوبیسم ترکیبی به تصویر کشیده شده است که به اجرای مقتدر و برجسته تبدیل شده است تقابل خطوط با قواعد هندسی مشخص پیکر مجسمه‌های آن زمان پیکاسو را تداعی می‌کند. تصاویر در «کارگاه هنری» می‌تواند با مجسمه نیم‌تنه در سمت چپ و پرتو تمام قد در سمت راست به شکل ابتکاری بسیار عالی قابل تشخیص باشد او به میل بینندگان برای اعتقاد به حقیقت اشیای نمایش داده شده تکیه می‌کند و مجسمه نیم‌تنه در این تابلو که سه چشم دارد ممکن است ویژگیهای شخصیتی پیکاسو را در اثر هنری خود منعکس سازد. مطلبی که می‌توان از روی این تابلوهای پرارزش فهمید این است که اثر متقابل حقیقت و خیال، دغدغه مهمی در تمام طول زندگی پیکاسو بود.

آثار

بالاترین قیمت پرداخت شده برای نقاشی پابلو پیکاسو ۱۲۶,۴ میلیون دلار به تابلویی به نام *پسری با پیپ* بود که در تاریخ مه ۴، ۲۰۰۴ به فروش رفت

در نوامبر ۲۰۱۰ بیش از ۲۷۰ اثر ناشناخته از پیکاسو در فرانسه و در منزل پیرمردی کشف شد.^{۱۸}

تک تک تابلوها و طرح‌های پیکاسو، یادداشت‌های روزانه اوست و مجموعه آنها کتاب زندگی او یا به بیان دیگر اتوبیوگرافی اش محسوب می‌شوند. تابلوی *گرنیکا (نقاشی)* ی او مهمترین اثر هنری متعهد که بیش از میلیون‌ها تراکت و اعلامیه تبلیغاتی در معرفی وحشت جنگ، ویرانی و قتل‌عام مردمان بی گناه یک شهر بی دفاع زیر اولین بمباران هوایی قرن بیستم در جامعه جهانی تکثیر کرد، شناخته شد و تابلوی *بوشیزگان آوینیون* اش بزرگترین اثر هنری قرن بود.^{۱۹}

تابلوی *نقاش و مدلش* از کارهای پیکاسو در ابعاد بزرگ است که در موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شود.

علیرضا قالیحاری